زیان دیرکرد و وجه التزام

دکترعباس میرشکاری *

چکیده

اگر موضوع تعهدی پرداخت وجه نقد از سوی بدهکار به طلبکار باشد، آیا می‌توان برای عدم پرداخت به هنگام تعهد، وجه التزام در نظر گرفت؟ پاسخ به این پرسش، به ویژه با یادآوری احتمال ربوی بودن شرط یاد شده سخت می‌شود. پاره‌ای از دادگاه‌ها نیز در صحت شرط یاد شده تردید دارند. اداره حقوقی قوه قضاییه، در نظریه‌ای تازه به همین سو گرایش دارد. این در حالی است که نه تنها اطلاق ماده ۲۳۰ ق.م. مؤید صحت تعیین وجه التزام برای تاخیر در اجرای تعهدات نقدی است، نص خاصی مبنی بر ممنوعیت چنین توافقی در نظام حقوقی ما وجود ندارد.

* وکیل دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه علم وفرهنگ

طرح پرسش

اگـــر موضوع تعهد، وجه نقد باشـــد و متعهد به هنگام، وفـــای عهد نکند، «حاکم می‌تواند... مدیون را به جبران خســـارت حاصله از تاخیر تادیه دین محکوم نماید». (ماده ۲۲۸ ق.م.).

همان‌گونه که روشن است در ماده ۲۲۸ ق.م. شیوه مشخصی برای چگونگی تعیین خسارت پیش‌بینی نشده و تعیین روش و اندازه زیان به دادگاه سپرده شده بود.

البته این امر نافی امکان توافق طرفین نبود؛ چه ممکن اســـت دو ســـوی تعهد، از پیش، در قالب وجه التزام، ترتیب ویژه‌ای برای جبران زیان ناشی از تاخیر پیش‌بینی کرده باشند، در این صورت، به حکم ۲۳۰ ق.م. برابر با همان روش توافق شده، رفتار خواهد شـــد. چنانکه بر اساس ماده یاد شده، «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است، محکوم کند». بر حسب ظاهر، این ماده مطلق است و شامل کلیه تعهدات اعم از وجه نقد و غیر آن می‌شود.

این وضعیت تا ســـال ۱۳۱۸ ادامه داشـــت تا این که در این سال و به موجب ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی، قانون‌گذار روش مشخصی برای جبران زیان ناشی از تاخیـــر در اجرای تعهدات نقدی پیش‌بینی کرد. بر اســـاس ماده یاد شـــده، «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد اســـت... خســـارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده محکوم‌به در سال است...».

ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز، همین مســـیر را ادامه داد. در این ماده چنین می‌خوانیم: «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجـــه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد...».

اکنون، این پرســـش قابل طرح اســـت که آیا هنوز هم دو سوی تعهد می‌توانند با اســـتفاده از وجه التزام، بر خلاف مواد یاد شده، توافق کرده و شیوه دیگری را برای

جبران زیان تعیین کنند؟

تحلیل قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸

پاسخ این پرسش با توجه به ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ روشـــن بود: چه ماده یاد شده پس از بیان این که «خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده محکوم‌به در سال است» چنین مقرر می‌داشت: «اگر علاوه بر این مبلغ، قراردادی به عنوان وجه التزام یا مال‌الصلح یا مال‌الاجاره و هر عنوان دیگری شـــده باشد در هیچ مورد بیش از صدی دوازده سال نسبت به مدت تأخیر حکم داده نخواهد شد لیکن اگر مقدار خســـارت کمتر از صدی دوازده معین شده باشد به همان مبلغ که قرارداد شده اســـت، حکم داده می‌شود». بدین ترتیب، طرفین می‌توانند کمتر از رقم مشخص شده توافق کنند اما توافق به بیش از آن، در هر قالب و عنوانی که باشد، معتبر نیست.

در واقـــع، حمایت از طرف ضعیف‌تر، یعنـــی متعهد و درک موقعیت اضطراری او که ســـبب می‌شود تن به شرایط تعیین شده از سوی طلبکار بدهد، قانون‌گذار را بر آن داشـــته اســـت تا اجازه توافق به بیش از رقم تعیین شده را ندهد.[1] بدین ترتیب، حکم ماده ۲۳۰ ق.م. دچار تخصیص شـــده و تنهـــا در محدوده تعهدات غیرنقدی قابل استناد خواهد بود.

تحلیل قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

در حکومـــت قانون آیین دادرســـی مدنی مصوب ۱۳۷۹ چـــه باید کرد؟ به گمان نگارنده، تکلیف این موضوع نیز روشـــن است. در واقع، در پایان ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. پس از طرح «تغییر شـــاخص سالانه» به عنوان مبنای محاسبه زیان دیرکرد، چنین آمده است: «مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند».

اطلاق جمله اخیر به خوبی بر آزادی اشـــخاص بر امکان توافق به بیش از شاخص

---

۱. بدین ترتیب، اگر مبلغی بیش از دوازده درصد تعیین شـــده باشـــد، متعهد الزامی به پرداخت آن نخواهد داشت اما اگر خـــودش بـــه رضایت، مبلغی بیش از دوازده درصد بپردازد، آیا می‌تواند آنچه را پرداخت کرده اســـت، بازگرداند؟ ماده ۷۲۶ ق.آ.د.م. مصوب ۱۳۱۸ در این خصوص مقرر داشته بود: «هرگاه به عنوان خسارت بیش از مبلغی که قانون معین کرده است تأدیه شـــده باشد دعوی استرداد آن مسموع نخواهد بود».پس، تعهد به بیش از دوازده درصد، لازم‌الوفاء نیست اما اگر متعهد به میل و رضا آن را اجراء کرد، حق استردادش را ندارد.

یاد شـــده و یا به کمتر از آن دلالت دارد. بدین ترتیب و با توجه به نسخ قانون آیین دادرســـی مدنی مصوب ۱۳۱۸ به عنوان حکم مخصص، می‌توان بر این باور بود که قلمروی عام ماده ۲۳۰ به اعتبار پیشـــین خود بازگشته و این ماده در کلیه تعهدات (اعم از نقد و غیرنقد) قابل اجراء است.

بررسی یک پرونده

بـــا این حال، در رویه قضایی، گاه باورهای دیگری دیده می‌شـــود. برای نمونه، در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۰۰۰۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۱۸ صادره از سوی شعبه ۱۲۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران چنین آمده اســـت: «در خصوص واخواهی آقای ف.ف. با وکالت آقای م.ه. به طرفیت خانم م.ش. با وکالت آقای م.الف. و خانم م.الف. نســـبت به دادنامه شـــماره ۱۴۷ مورخ ۹۱/۲/۲۰ صادره از ایـــن دادگاه با عنایت به مفاد دادخواســـت واخواهی واخواه فوق و نظر به این که نامبرده دلیل یا مدرکی که موجبات گســـیخته شدن دادنامه واخواسته را فراهم نماید، به دادگاه ارایه ننموده و ادعای وکیل واخواه بر این که در تعهداتی که موضوع آن پرداخت وجه نقد می‌باشد، دریافت وجه التزام موضوع ماده ۲۳۰ قانون مدنی موجه نمی‌باشد و صرفاً می‌بایست به استناد ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی اقدام نمود، موجه نمی‌باشـــد، زیرا ماده ۵۲۲ یاد شـــده در مواردی است که طرفین خســـارت را تعیین نکرده باشـــند و با تعیین خسارت توســـط طرفین باید به توافق طرفین احترام گزارد و ماده ۱۰ قانون مدنی نیز آن‌را حمایت می‌نماید، فلذا به استناد مواد ۳۰۵، ۳۰۶ و ۳۰۸ قانون آیین دادرســـی مدنی ضمن رد واخواهی وی دادنامه واخواسته موصوف را عیناً تأیید و استوار می‌نماید. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد».

با تجدیدنظرخواهی دادباخته، شعبه ششم دادگاه تجدیدنظر استان تهران چنین اقدام به صدور رای نمـــود: «تجدیدنظرخواهی آقای م.ه. به وکالت از آقای ف.ف. به طرفیت خانم م.ش. با وکالت آقای م.الف. نســـبت به دادنامه شماره ۷۰۶-۹۱/۶/۲۹ صادره از شعبه ۱۲۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران ازجهت محکومیت تجدیدنظرخواه

به پرداخت مبلغ شـــصت میلیون ریال بابت وجه التزام خســـارت تأخیر در پرداخت یک‌صد میلیون ریال وجه، دو فقره ســـفته به شماره‌های ۶۳۹۸۷۵-۶۳۹۸۷۶ طی دادنامه غیابی شـــماره ۱۴۷-۹۱/۲/۲۰ و رد واخواهـــی نامبرده از دادنامه اخیرالذکر موجه و وارد می‌باشـــد؛ زیرا به موجب مقررات ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مطالبه خســـارت تأخیـــر در پرداخت دین که موضوع آن از نوع وجه رایج بوده با شـــرایط خاص مندرج در ماده و با رعایت تناسب تغییر شـــاخص سالانه تجویز شده و به موجب ماده ۵۲۹ همان قانون کلیه مقررات در موارد مغایر ملغی گردیده، بنابراین، مقررات ماده ۲۲۸ قانون مدنی به‌عنوان مقررات سابق به نحو ضمنی نســـخ گردیده و در مورد دعوی حاضر قابلیت استناد نداشته لذا به استناد صـــدر ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرســـی مدنی و بند هـ مـــاده ۳۴۸ همان قانون دادنامه تجدیدنظرخواســـته نقض گردیده و با توجه به جهات یاد شده عدم اعتبار قانونی تعهد تجدیدنظرخواه ازجهت پرداخت خسارت تأخیر در پرداخت وجه سفته‌های مستند دعوی به شرح مندرج در دادخواست طلاق توافقی و صورت‌جلسات مورخ ۹۰/۸/۱۵ و ۹۰/۸/۲۱ حکم به بطلان دعوی نخستین خواهان به خواسته مطالبه شصت میلیون ریال بابت وجه التزام و خسارات دادرسی مربوطه صادر و اعلام می‌شود. این رأی قطعی است».

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز با همین باور همداســـتان اســـت؛ چنانکه در نظریه شماره ۷/۹۲/۴۶۴ مورخ ۹۲/۳/۱۲ چنین آمده است:

«توافق بر جریمه به عنوان وجه التزام خســـارت تأخیر تأدیه دین فقط در چارچوب مقـــررات قانون عملیات بانکی بـــدون ربا مصوب ۶۲ با اصلاحات بعـــدی برای وجوه و تسهیلات اعطائی بانک‌ها پیش‌بینی شـــده است ولی در تمام دعاوی‌ای که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج است مطالبه و پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بر اساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرســـی مدنی انجام می‌شود و شـــرط زیاده در تعهدات پولی ربای قرضی محســـوب می‌شود، وجه التزام موضوع ماده ۲۳۰ قانون مدنی ناظر به تعهدات غیرپولی است و قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی راجع به امکان مصالحه طرفین به نحوه دیگر ناظر به مصالحه به کمتر از شـــاخص تورم است؛ زیرا مقررات یاد شده تا سقف شاخص تورم امری بوده و توافق بر بیشتر از آن بی‌اعتبار است».

تحلیل پرونده

اگر از اشتباه دادگاه تجدیدنظر آنجا که بی‌محابا حکم به نسخ ضمنی مقررات ماده ۲۲۸ قانون مدنی می‌دهد، بگذریم، در تک‌تک دلایل ارائه شده از سوی اداره حقوقی نیز، مجال گفت‌وگو است:

نخست آن که هیچ دلیل منطقی مبنی بر اختصاص وجه التزام تاخیر در پرداخت به بانک‌ها وجود ندارد. اگر گرفتن وجه التزام ناروا است، هیچ دلیلی وجود ندارد که انجـــام این کار را برای بانک‌ها مباح کنـــد و اگر این این کار برای بانک‌ها پذیرفتنی است دلیلی بر اختصاص آن به بانک‌ها وجود ندارد. در واقع، با توجه به اصل برابری اشخاص در برابر قانون، پذیرش امتیاز برای یک دسته از اشخاص ناروا و غیرمنطقی است. به علاوه، حقوق‌دان باید تلاش کند تا همه چیز را به قاعده بازگرداند نه آنکه نظـــام حقوقی را از اســـتثناء و تخصیص لبریز کند. به ایـــن ترتیب، پذیرش امکان مطالبـــه وجه التزام از ســـوی بانک‌ها را باید به معنای تاییـــد اجرای قاعده در یک مصداق خاص دانست و از آن، اختصاص و استثناء را استنباط نکرد.[1]

به علاوه، این ســـخن که «شـــرط زیاده در تعهدات پولی ربای قرضی محســـوب می‌شود» نیز ناروا اســـت: ربای قرضی به معنای قرضی است که قرض‌دهنده‌اش

---

۱. جالب آنکه در نظریه یاد شده، به قانون عملیات بانکی بدون ربا استناد شده است این در حالی است که در این قانون، به موضوع مطالبه وجه التزام در تعهدات نقدی پرداخته نشده، بلکه مستند واقعی این موضوع را باید در قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی جستجو کرد.

بر اساس ماده ۱این قانون، کلیه وجوه و تسهیلات مالی که بانک‌ها تا تاریخ اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب به اشخاص حقیقی و حقوقی تحت هر عنوان پرداخت نموده‌اند اعم از آن که قراردادی در این خصوص تنظیم شده یا نشده باشد و مقرر بوده است که بدهکار درسررسید معینه تسهیلات مالی و وجوه دریافتی را اعم از اصل و سود و سایر متفرعات مسترد دارد بر اساس مقررات و شرایط زمان اعطای این وجوه و تسهیلات قابل مطالبه و وصول است. کلیه محاکم دادگستری و مراجع قضایی و دوایر اجرای ثبت مکلفند طبق مقررات و شرایط زمان اعطاء وجوه و تسهیلات رسیدگی و نسبت به صدور حکم و وصول مطالبات بانک‌ها اعم از اصل و هزینه‌ها و خسارات و متفرعات متعلقه (خسارت تأخیر تأدیه، جریمه عدم انجام تعهد و غیره) اقدام نمایند.

ماده ۲ این قانون نیز، قلمرو زمانی اجرای قانون را به پیش از تصویب قانون گسترانیده است. بر اساس این ماده، «در خصوص دعاوی که قبلاً راجع به مطالبات بانک‌ها نزد مراجع قضایی مطرح و (منتج؟) به صدور حکم شـــده اســـت و هزینه‌ها و متفرعات وجریمه تأخیر تأدیه و جزاء تخلف از شـــرط متعلقه که وصول آن به نفع بانک مورد لحوق حکم واقع نشـــده اســـت، بانک‌ها می‌توانند تقاضای تصحیح حکم را از مرجع صادرکننده حکم بنمایند و مرجع صادرکننده حکم مکلف اســـت وفق مقررات این قانون رسیدگی و احکام صادره را تصحیح نماید».(مصوبه مورخ ۵/ ۱۰/ ۱۳۶۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام)

به دنبال گرفتن چیزی اضافه بر مورد قرض هست، این در حالی است که در وجه التزام، چنین موضوعی مصداق نمی‌یابد. در واقع، چگونه می‌توان در بیعی که برای تاخیر در پرداخت ثمن آن، خسارت تاخیر روزانه در نظر گرفته شده، مدعی شد که قصد دو طرف، ربای قرضی است؟ حتی به گمان نگارنده، اگر در عقد قرض نیز شرط شده باشد که در صورت تاخیر قرض گیرنده در ادای قرض، وی مکلف به پرداخت مبلغ مشخصی به قرض دهنده باشد نیز، این شرط درست است اگر قصد واقعی، اجبار قرض گیرنده بر ادای قرض در مهلت مشخص شده باشد.

در همین راستا اگر قصد طرفین آزاد گذاشتن قرض گیرنده در ادای با تاخیر قرض باشد، به نحوی که قرض گیرنده مجاز به تاخیر باشد البته با قید پرداخت روزانه مبلغی از پیش تعیین شده، تردیدی در ربوی بودن این معامله نیست. این نظر با دیدگاه برخی از فقهای معاصر نیز سازگار است.[1]

استدلال دیگر مبنی بر تخصیص «وجه التزام موضوع ماده ۲۳۰ قانون مدنی ناظر به تعهدات غیرپولی» نیز درست نیست:

در واقع، جدا از آن که هیچ دلیلی بر تقیید ماده ۲۳۰ وجود ندارد، بلکه برعکس، اطلاق ماده یاد شده نیز مؤید امکان استناد به آن در کلیه تعهدات (اعم از پولی و غیرپولی) است. ترتیب چینش مواد نیز، موئد اطلاق ماده ۲۳۰ است: در واقع، قانون‌گذار در ماده ۲۲۸ ق.م. درباره تعهدات مربوط به وجه نقد سخن می‌گوید و به حاکم اجازه می‌دهد تا مدیون را به جبران خسارت حاصله از تاخیر در تادیه دین محکوم نماید[1] اما در ماده ۲۳۰ همین قانون، بر اختیار حاکم قیدی می‌گذارد:

---

۱. «سؤال: در قرارداد قرض یا غیر آن، شرط می‌شود که «در صورت عدم تسویهٔ کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد در سررسید مقرر، علاوه بر اصل بدهی، مبلغ معادل ۱۲ درصد ماندهٔ بدهی برای هر سال به ذمّه متعهّد این قرار داد تعلق خواهد گرفت»، آیا شرط مزبور با مشکل ربا و غیر آن مواجه می‌باشد یا خیر؟ و آیا میان قرض و غیر آن هم‌چون بیع نسیه یا سلف در این باره فرق هست یا نه؟

جواب: اگر مفهوم شرط مذکور، مجاز بودن مدیون در تأخیر ادای دین در مقابل ۱۲ درصد باشد، ربا و حرام است و اگر مقصود الزام مدیون بر ادای دین رأس مدت مقرر باشد که وجه التزام در مقابل عدم ادا باشد، ظاهراً اشکال ندارد، والله اعلم». فتوای آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.(سایت نیوز ۱۳۹۵/۷/۱۰)

«اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند».

واپسین استدلال از همه جالب‌تر است. ادعا شده «قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به امکان مصالحه طرفین به نحوه دیگر ناظر به مصالحه به کمتر از شاخص تورم است»، این در حالی است که چنین محدویتی در ماده یاد شده دیده نمی‌شود.

در واقع، قانون‌گذار ترتیب ویژه‌ای را برای مطالبه زیان دیرکرد مقرر داشته و در پایان ماده، اجرای این ترتیب را در یک صورت قابل اجراء ندانسته است: «مگر طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند».

از کجای این بخش از ماده می‌توان مصالحه به بیشتر از نرخ تورم را قابل قبول ندانست؟ به ویژه آنکه قانون‌گذار ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ را در برابر داشته است.

توضیح آنکه بر اساس ماده یاد شده، «در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است اعم از اینکه راجع به معاملات با حق استرداد یا سایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده محکوم‌به در سال است و اگر علاوه بر این مبلغ قراردادی به عنوان وجه التزام یا مال‌الصلح یا مال‌الاجاره و هر عنوان دیگری شده باشد در هیچ مورد بیش از صدی دوازده در سال نسبت به مدت تأخیر حکم داده نخواهد شد لیکن اگر مقدار خسارت‌کمتر از صدی دوازده معین شده باشد به همان مبلغ که قرارداد شده است حکم داده می‌شود».

آیا سکوت قانون جدید با وجود نص صریح ماده ۷۱۹ مبنی بر ممنوعیت توافق به بیشتر از میزان مشخص شده، دلالت بر آزادی اشخاص در امکان توافق به هر اندازه‌ای که می‌خواهند، ندارد؟

سرانجام از ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. نیز می‌توان آزادی اشخاص در امکان توافق به بیش

---

۱. «درصورتی که موضوع تعهد تادیه وجه نقد باشد، حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تاخیر تادیه دین محکوم نماید».

از نرخ تورم را برداشت کرد. بر اساس این ماده، «در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد».

بدین ترتیب و با توجه به اســـتدلال‌های گفته شـــده، به نظر می‌رسد تعیین وجه التـــزام به مبلغی بیش از نرخ تورم پذیرفتنی‌تر باشـــد. رویه قضایی نیز، کم و بیش ترجیـــح می‌دهد با پای بنـــدی به اصل «آزادی قراردادی» به اراده اشـــخاص برای تعیین زیان دیرکرد به روشـــی غیر از آنچه در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. پیش‌بینی شـــده، احتـــرام بگزارد. برای نمونه، در دادنامه شـــماره ۹۱۰۹۹۷۰۰۰۴۰۰۷۱۹ به تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۲ به شماره پرونده ۹۰۰۹۹۸۰۰۰۴۰۰۵۳۵ صادره از سوی شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران چنین می‌خوانیم:

«درخصوص دعوی آقای ... به طرفیت ... به خواسته مطالبه مبلغ ۱۴۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال وجه موضوع تعهدنامه عادی مـــورخ ... و مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت وجه التزام در پرداخت بر مبنای روزانه... ریال با احتساب خسارات دادرسی، دادگاه با توجه به رسیدگی معموله واســـتماع اظهارات ومدافعات طرفین ومحتویات اوراق پرونده: دادخواســـت اولیه، تصویر مصدق تعهدنامه عادی مورخ ۹۰/۴/۲۹ که به موجب آن خوانده متعهد گردیده ظرف پنج روز از تاریخ تنظیم تعهدنامه، مبلغ خواسته را بابت بدهی برادرش آقای ح.ک به خواهان پرداخت ودر قســـمت اخیر آن متعهد شده در صورت تاخیر، روزانه مبلغ پانصدهزار ریال نیز بابت جریمه پرداخت نماید، ... دعوی وکیل خواهان و اشتغال ذمه خوانده را ثابت تشخیص ونظر به این که خوانده دلیل و مدرکی که موجبات بی‌حقی خواهان در طرح دعوی یا برائت ذمه خویش باشد به دادگاه ارائه ننموده ودر پرونده نیز موجود نمی‌باشد لذا ضمن پذیرش دعوی خواهان و مســـتنداً به مواد ۶۸۴ و۶۹۲ و ۶۹۸ قانون مدنی ومـــواد ۵۱۵ و۵۱۹ قانون آیین دادرســـی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۱۴۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواســـته و مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت وجه التزام قراردادی از تاریخ ۹۰/۵/۳ لغایت ۹۰/۸/۱۱ ... در حق خواهان صادر و در خصوص خواسته دیگر خواهان دایر بر مطالبه خسارت تاخیر تادیه، نظر به این که طرفین نحوه جبران خســـارت ناشی از تاخیر در انجام تعهد را به موجب قرارداد

مســـتند دعوی پیش‌بینی نموده اند لذا تعیین خسارت مضاعف فاقد وجاهت قانونی وشرعی بوده حکم بر رد دعوی خواهان در این قسمت صادر واعلام می‌گردد».

نتیجه

اگـــر موضوع تعهد، وجه نقد باشـــد و متعهد به هنگام، وفـــای عهد نکند، «حاکم می‌تواند... مدیون را به جبران خســـارت حاصله از تاخیر تادیه دین محکوم نماید». (ماده ۲۲۸ ق.م.) سازوکار تعیین اندازه زیان در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. تعیین شده است. با این حال، نظر به جمله پایانی ماده یاد شـــده مبنی بر امکان مصالحه به روشـــی بـــه غیر از روش مذکور در ماده ۵۲۲ و با توجه به اصل آزادی قراردادی، اشـــخاص می‌تواننـــد درباره زیان حاصل از تاخیر در اجرای تعهـــدات نقدی توافق کنند. این توافق مشـــمول ماده ۲۳۰ ق.م. بوده و با دو ســـوی تعهد، برابر با همان روش توافق شده، رفتار خواهد شد. چنانکه بر اساس ماده یاد شده، «اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است، محکوم کند».